



عبدالحمید جوده السحار (1913-1974 م) داستان نویس و فیلم نامه نویس شهیر مصری و علاقه مند به موضوعات تاریخی و دینی بود. او یکی از نویسندگان فیلم نامه «الرساله» است که در ایران به نام فیلم «محمد رسول الله» شناخته می شود. بعد از انقلاب 1952 (کودتای بدون خونریزی افسران استقلال طلب علیه ملک فاروق) نقش زیادی در فضای فرهنگی مصر ایفا کرده و در تولید آثار هنری مختلف برای تقویت روحیه نیروهای هوایی و دریایی مصر شرکت داشت. السحار روشنفکری ضد استعمار، ضد صهیونیسم و مخالف مارکسیسم شناخته می شود.

«جوده السحار» بیشترین بررسی و تحلیل اش را به دوره خلیفه سوم معطوف کرده است. او ابایی از ذکر خطاها و سوء مدیریت خلیفه ندارد. چنان که بسیاری از اهل سنت چنین دیدگاهی دارند. آن ها دو خلیفه اول را نیکوکار، عادل، ساده زیست و مردم دار می دانند و عثمان را سست رأی، فامیل گرا، رانت پرداز و تجمل گرا توصیف می کنند. هر چند در دوره دو خلیفه اول انباشت ثروت در جامعه اسلامی به اندازه دوره عثمان نبود، اما آن دو (و به ویژه عمر) در امور مادی مسلمین (علی الخصوص صحابه و بزرگان) بسیار سختگیر بودند. خلیفه دوم به حساب کشی از اموال اطرافیان می پرداخت تا آنجا که اموال فرمانداری نظیر ابوهیره و عمروعاص را مصادره کرد.

این روند در زمان عثمان کاملاً واژگونه شد و شاید همین تغییرات بوده که تغییر رفتار ابودر را به دنبال داشته است. این دوره ابودر انقلابی تر به صحنه می آید. از نظر «السحار» ابودر در زمان عثمان به اوج می رسد و شلاق کلام اش را به شدت بر کرده معاویه، عثمان، عبدالرحمن بن عوف و سایر سرمایه داران و ثروتمندان می کوبد. اما بی شک این همه ی حضور ابودر در زمان خلفا نبوده است. «السحار» ابودر را در زمان ابوبکر، مدافع خلافت معرفی می کند، همچنین به ذکر سیاست های شدید اقتصادی عمر در مورد بزرگان صحابه می پردازد. این در حالی است که عمر نیز در باب پرداخت مالیات مسلمین، برای افرادی که در اسلام جزء سابقون اند یا زنان پیامبرند، امتیازاتی قرار داد. این خلاف سیره رسول خدا بود و به رغم مخالفت امام علی (ع) این روند ادامه پیدا کرد و راه را برای امتیازدهی های عثمان به امویان هموار کرد. اما السحار ابودر را چنین وصف می کند: «ابودر در دوره صدیق [ابوبکر] و فاروق [عمر] خیلی لذت می برد و از آزادی، مساوات و عدالتی که در روزگار آن ها وجود داشت خوشحال می گشت، اما قتل عمر... آلام درونی اش را برانگیخت. ابودر از کشته شدن این حاکم عادل رعیت دوست ملت نواز، بسیار غمناک شد.»<sup>5</sup>

#### تعصب عربی «السحار»

تعصب عربی السحار نیز در جای جای نوشته اش

پیداست: «بعد از قتل عمر، ابودر به عاقبت امپراطوری بزرگی که عرب آن را تاسیس کرده و خود او نیز جزء دسته ای بود که سنگ آن را بنا گذاشتند فکر می نمود...»<sup>6</sup>؛ «معاویه در همان حال که به خود و خویشاوندان اش می پرداخت، خدماتش غیرمستقیم عاید مجتمع عربی شد... و پیش خود یقین داشت این اقدامات را به منظور تشکیل دولت عربی که نخستین هسته خود را نهاده است می نماید... شخصیت معاویه ایجاب ایجاد می نمود مردی اداری و موسس دولت بزرگ باشد، اگر چه دستی که این دولت بزرگ را بنا کرد به خون مسکینان و بیچارگان آلوده بود. بر ما بازماندگان لازم است از این دو مرد بزرگ (معاویه و ابودر) و نیاکان بزرگ دیگرمان سرمشق بگیریم و از روش آن ها در راه برقراری عدالت و مساوات برای اجتماع امروزمان استفاده نماییم... ابتدا به خاطر ابودر نمی گذشت که این کاخ هایی که به این گونه برپا می شود پایه های نخستین تمدن بزرگ عربی خواهد بود»<sup>7</sup>.

علامه شهیدی در چندین مورد به انتقاد از این فکر مولف می پردازد و به آن اعتراض می کند. او در پاورقی بر این جملات می نویسد: «بسیار بی انصافی است کسی که به گفته خود حوادث تاریخی را زیر اشعه علم الاجتماع جدید قرار می دهد، کاخ های بیدادگری معاویه و مروان و یعلی بن امیه را اولین پایه تمدن عربی بداند. آیا این کاخ ها و این طرز حکومت بود که سایه بر خاور و باختران جهان انداخت یا تعلیمات محکم اسلام و حق خواهی و عدالت گستری این دین، عرب را به آن پایه رسانید؟ دعوت اسلام برای آن نبود که تمدن عربی را پی ریزی کند. عرب آن چه یافت از برکت اسلام بود...»<sup>8</sup> «اسلام نه تنها نمی خواست تشکیل امپراطوری بدهد و مستعمره برای خود درست کند بلکه جدا با رژیم استعماری مخالف است...»<sup>9</sup>.

#### توجه به نیاز مخاطب

در کتاب سحار، شخصیت انقلابی ابودر در دوران عثمان تا حدود زیادی درست ترسیم شده است. ابودری منتقد و معترض و شجاع، ابودری قانع و با مناعت طبع عالی و زبانی آتشین، او در پی تساوی

حقوق برای همه مردم و از بین بردن امتیازاتی است که از طرف عثمان به دشمنان قسم خورده و علی الظاهر مسلمان اسلام داده می شد. هر برخورد ابودر با عثمان به مناظره ای محکم و مستدل علیه حکومت او مبدل می شود و این ابودر است که با کلمات خود تمام رشته های گروهک مروان را پنبه می کند.

معرفی ابودری چنین برای نسل آن روز، ورقی از اسلام را رو کرد که مدت ها چراغ راه مبارزه جوانان مسلمان را افروخته نگه داشت. برای چپگرایانی که دین را افیون توده ها می دانستند، معرفی چهره ای مسلمان و انقلابی، پاتک خوبی بود. نویسنده کتاب «اشتراکی بزرگ» ابودری معرفی می کند که نیاز روز مخاطبش را برطرف کند و در این معرفی تا حدودی موفق است. هر چند انحصار عدالت خواهی در ابودر و فراموش کردن این مسعود، عمار و از همه مهم تر علی (ع) از نقایص کار محسوب می شود.

نویسنده در این زمینه چندان تعصب مذهبی اش را وارد نکرده است. اما ایرادی که در چهره انقلابی و مبارز ابودر است، عدم پرداختن به وجه مهربانی اوست. این ابودر خشمگین که همواره فریاد می زند و سرسختی نشان می دهد و خلیفه مسلمین را با شدیدترین لحن مورد خطاب قرار می دهد، آیا چیزی به نام مهر و محبت را هم می شناخته است؟ آیا چهره مهربان پیامبر را هم توانسته است در رفتار خود منعکس کند؟

پاورقی ها:

- 1- مولف کتاب های: زینب قهرمان کربلا، سکینه دختر سیدالشهدا و زنان پیرامون پیامبر.
- 2- آواره بیابان های رنده، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی از کتاب الاشتراکی العظیم نوشته جوده السحار، ص 30
- 3- همان، ص 73
- 4- همان، ص 74
- 5- همان، ص 40 و 41
- 6- همان، ص 40
- 7- همان، ص 86 و 87
- 8- همان، ص 87
- 9- همان، ص 40

روشنفکران مسلمان هم به این فکر افتادند تا در اسلام، کالایی باب روز پیدا کنند و در مقابل غرب و شرق عرضه نمایند. آن ها به دنبال الگوهای در تاریخ اسلام می گشتند تا بتوانند با تمسک به آن، اسلام را دینی کارآمد معرفی کنند.